



بررسی و نمادشناسی نقش مار در تمدن های باستانی

پدیدآورده (ها) : باقرپور، سعید

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه هنر :: مرداد 1391 - شماره 167
از 100 تا 108

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/912992>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه سمنان

تاریخ دانلود : 19/07/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی و نمادشناسی نقش مار

در تمدن‌های باستانی

سعید باقرپور*



چکیده

مار، این جانور خزنده از ادوار پیش از تاریخ، به طور گسترده‌ای مورد پرستش بود و یکی از نمادهای دینی با مفاهیم وسیع و متنوع به شمار می‌رفت. از همان روزگاران نخستین نیز، به پرستش خورشید وابستگی داشت. به نظر می‌رسید که با پوست‌اندازی ادواری خود مانند خورشید، تجدید حیات می‌کند. بنابراین، نماد مرگ و تولد دوباره محسوب می‌شود. با این وجود، از آن جایی که مار وابسته به زمین بود، یک خدای زیرزمینی و دشمن خورشید - خدا به شمار می‌رفت (هال، ۱۳۸۰، ۹۳).

در تمدن‌های پیش از تاریخ، مار ارتباط نزدیکی با باروری داشته است و بسیاری از الهگان با ماری پیچیده به دور بدن یا در دهان آنها نشان داده شده است. تصویر این نماد بر صفحه‌ها، دروازه‌ها و ظروف نشان از تقدس مار در دین نیاکان ما دارد. به نظر می‌رسد در دوران تاریخی مار مفهومی اهریمنی برای ایرانیان یافته است.

واژگان کلیدی: مار، اسطوره، الهگان، تمدن‌های ایران

مقدمه

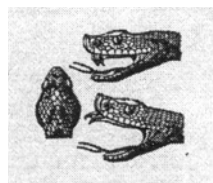
حضور تصاویر بی‌شماری از حیوانات و موجودات اساطیری روی ظروف، مهرها و الواح باقی‌مانده از تمدن‌های باستانی نشان از تقدس برخی از آنان در اساطیر و افسانه‌های بومی هر قوم و تمدن باستانی دارد. «در ایران چنین به نظر می‌رسد که همراه اعتقاد و ایمان قدیمی نسبت به خدایان باروری و فراوانی، پرستش خدای مار از نظر نشانه

باروری، به طور مصنوعی از هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد جاری بوده است (گذار، ۱۳۷۷، ۱۵).

مار مظهر پرتوهای شمس - خط سیر خورشید، آذرخش و قوه آب‌ها و نشانه‌ی همه ایزدان رودخانه است. این حیوان هم‌چنین نشان‌دهنده تلبیس، زیرکی، حيله‌گری، تاریکی و اغواگری است (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۰).

مار در فرهنگ فارسی معین: "مار: جانوری است از راسته خزندگان که دارای اندام خارجی (دست و پا) نیست و کمربندهای اندام نیز از بین رفته، دارای بدنی کشیده و طویل است. مار دارای اقسام مختلفی است که برخی از آن‌ها سمی و برخی بدون سم‌اند. عینکی، گونه‌ای مار سمی خطرناک از گروه ماران پروتوگلیف است که در موقع خشم ناحیه گردن خود را پهن می‌کند و در این حال تصویر عینکی بر روی فلس‌های ناحیه خلفی گردن حیوان مشاهده می‌شود" (معین، ۱۳۸۰، ۸۸۹).

مار در لغت‌نامه دهخدا: "مار (ا) معروف است که به زبان عربی حیه گویند. (برهان). حیه. (ترجمان القرآن). حیوانی دراز و خزنده و بی‌دست و پای که به تازی حیه گویند.



منبع: لغت‌نامه دهخدا

ج، ماران. (ناظم الاطباء). پهلوی مار، سانسکریت، ماره، این کلمه سانسکریت به معنی میراننده و کشنده است، بنابراین با کلمه اوستائی مثریا به معنی زیانکار و

تباه‌کننده یکی است، از مصدر مر اوستایی و پارسی باستان به معنی مردن... کردی، مار. جانوری از خزندگان دارای بدنی دراز و قابل انعطاف، بدون دست‌وپا بیشتر آنها مولد زهرهای کشنده‌اند و تعداد دنده‌های آنها بسیار است ولی جناق ندارند" (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۹۹۳).

مار در آثار مولانا: در آثار مولانا مار نماد معنای متعددی است که حاصل جمع آنها هواهای نفسانی و دنیاست. امام علی(ع) در وصف دنیا فرموده‌اند: (دنیا به مار ماند، سودنش نرم و در اندرونش زهری نهفته است). مولانا بر پایه متون دینی، دنیا را بارها مار خوانده است. وی زیبایی‌های دنیا را مانند ماری می‌داند که با مهارت خاصی برگی زیبا در دهانش می‌گیرد تا جانوران را شکار کند.

مار استادست بر سینه چوبرگ

در دهانش بهر صید اشگرف برگ

در حشایش (گیاهان) چون حشیشی او به پاست

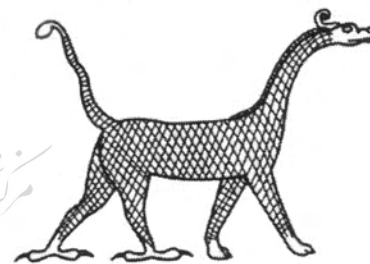
مرغ پندارد که او شاخ گیاست

چون نشیند بهر خور بر روی برگ

درفتد اندر دهان مار و مرگ

(مثنوی، دفتر ششم، بیت‌های ۷۱-۴۰۷) (تاج‌دینی، ۱۳۸۳، ۷۸۵).

مار در روایات اسلامی:



منبع: هال، جیمز. فرهنگ نگاره‌ای نمادها

در روایات اسلامی که گاه از سرچشمه‌ی فرهنگ‌های یهود متأثر است، مار حیوانی زیبا و دارای چهار پا مانند شتر بود از خزانه‌دارهای بهشت به شمار می‌رفت. اما چون با ابلیس در اغوای آدم همکاری کرد، خداوند به عقوبت این کار او را از بهشت اخراج کرد و به اصفهان انداخت و او را به خاک خوردن و با شکم خزیدن عقوبت کرد و مقرر شد آدمیان سر او را بکوبند. در تورات نقش گناه‌آلود مار بیشتر از روایات اسلامی نمودار است زیرا در اینجا خود مار وسوسه‌گر است. مار و طاووس به این دلیل که در داستان آدم نقشی ناستوده دارند، در شعر فارسی گاه به عنوان دستیاران دیو معرفی شده‌اند:

خشم و شهوت مار و طاووسند در ترکیب نو

نفس را آن پایمرد و دیو را این دستیار

کی توانستی برون آورد آدم را زخلد

گر نبودی راهبر ابلیس را طاووس و مار

(سنایی: ۱۸۸)

(یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۳۷).

نقش مار در شاهنامه فردوسی:

در شاهنامه فردوسی مار نشانه پلیدی و تباهی است. هنگامی که ابلیس بر کتف ضحاک بوسه می‌زند، ناگهان دو مار سیاه از شانه‌های او سر بیرون می‌آورند. ضحاک نه تنها نمی‌تواند از دست این هیولاهای زشت رهایی یابد، بلکه ناچار است همه روزه با مغز آدمیان آنها را تغذیه کند. ضحاک نومیدانه می‌کوشد تا با قطع سر این مارها آنها را از میان بردارد اما هر بار سری تازه به جای سر قطع شده می‌روید.

دو مار سیه از دو کتفش برست

غمی گشت و از هر سوی چاره جست

سرانجام بیرید هر دو زکتف

سزد گر بمانی از او در شگفت

چو شاخ درخت آن دو مار سیاه

برآمد دگر باره از کتف شاه

پزشکان فرزانه گرد آمدند

همه یک به یک داستان‌ها زدند

ز هر گونه نیرنگ‌ها ساختند

مر آن درد را چاره نشناختند

بسان پزشکی پس ابلیس تفت

بفرزانی نزد ضحاک رفت

بدو گفت کین بودنی کار بود

بمان تا چه گردد نباید درود

خورش ساز و آرامشان ده بخورد

نباید جز این چاره نیز کرد

بجز مغز مردم مدهشان خورش

مگر خود بمیرد از این پرورش



تصویری از یک نسخه شاهنامه منتخب منثور کشمیری که ضحاک مارروش را بر تخت سلطان نشان می‌دهد، در حالی که بر مجازات شاه جمشید نظاره می‌کند. منبع: اسطوره‌های ایرانی

مار Snake:

معانی سمبلیک: بی‌وفایی، پلیدی، تجدید حیات، حيله‌گری،

خیانت، دوجنسی (هم نر و هم ماده بودن)، شیطان، عقل، نیروهای

متضاد(جایز، ۱۳۷۰، ۱۲۷).

دومار: اصول مذکر و مونث، خیر و شر، گاهی یکی از دومار

دارای یک یا دو شاخ است.

ستون مار: ستونی متشکل از سه مار برنزی به هم پیچیده که به یادبود پیروزی‌های یونان در Platea و salamis به عنوان نذر به معبد دلفی اهدا گردید.

عبور بدن انسان در بدن مار: انتقال نور(رع) در تاریکی، تطهیر نور توسط دانش، کنایه از داستان یونس پیغمبر که ۳ روز در شکم ماهی گذراند.

قلب مار: جنگاوران اساطیری نروژ، قلب سرخ کرده را به عنوان افزایش عقل و نیرو می‌خوردند.

مار بالدار: آشتی، رستگاری، روح تمام دانش‌ها، رهایی، فرشته سپیده‌دم، مصالحه، نیکوکاری.

مار با هشت چنگال: ژاین، قانون شکن، خورنده انسان.

مار بدشکل و لجن‌آلود در حال خزیدن: انزجار، کارشکنی، ویرانی.



منبع: سمبل‌ها

مار برنزی: شفا دهنده، حضرت موسی پس از دیدار مارهای آتشین، مجسمه یک مار برنزی را در بیابان نصب نمود به طوری که هرکس به آن نگاه می‌کرد شفا می‌یافت. رفته رفته مردم آن مجسمه را به عنوان یک بت مورد پرستش قرار دادند که این عمل منسوخ شد. مسیحیان آن را به عنوان سمبل خداوند یا مسیح محترم می‌شمردند.

مار برنزی روی صلیب شبیه T: تصویر عیسی مصلوب، قربانی شدن اسماعیل فرزند ابراهیم

مار پیچیده به دور چوبدست: اصول مثبت و منفی. علامت پزشکان، به ویژه "آسکلیپوس" (Asclepius). مذكر و مونث.

مار پیچیده به دور درخت: علامت زندگی، وسوسه.

مار در حال گاز گرفتن دم خود: ابدیت، خود تغذیه‌ای، دایره منطقه البروج.

مار رودخانه نیل: زن فریبنده و اغواگر، کلثوپاترا.

مار سفید: در ژاپن، سمبل ثروت و سعادت، علامت "بنتن" (Benten).



مار شاخدار: آب.

مار شاخدار و پردار: صورتی از پرنده و مار (جایز، ۱۳۷۰، ۱۲۹).

مار آتش دم (Basilisk): ماری بالدار است با سر و چنگال خروس و سر دومی در پایان دم خود. هر کسی که این جانور نگاهش به او خیره می‌شد، بی‌درنگ جان می‌سپرد. نماد شیطان در



منبع: هاله جیمز، فرهنگ نگاره‌ای نمادها

هنر مسیحی قرون وسطایی است(هاله، ۱۳۸۰، ۹۹).

جشن مار: در کلیسایی بر فراز کوهی خارج از شهر پنال سالی یک‌بار جشن مار برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان در این جشن به گردن، بازوان یا کمر خود مار آویزان می‌کنند و اعتقاد دارند این عمل آنان را از مرگ نابه‌هنگام و مسموم‌شدن مصون نموده و خوشبختی به آنها روی خواهد آورد(جایز، ۱۳۷۰، ۱۲۷).

رقص مار: در بسیاری از نقاط دنیا نوعی مراسم به منظور نشو و نمای گیاه انجام می‌گیرد، که در این ارتباط مار به عنوان سمبل حاصلخیزی زمین و فراوانی باران به کار رفته است. سرخ‌پوستان قبیله «هوپی» Hopi مار را به عنوان سمبل توتیمیک اجداد خود پرستش می‌کنند(جایز، ۱۳۷۰، ۱۲۷).

مار و ماه:

مار و ماه چون آب، نشانه‌های تجدید حیات و دگردیسی‌اند: «آب و مار بسان هر شی مقدس و هر رمز این تضاد منطقی را واقعیت می‌بخشند که در عین حال خوند و چیزی غیر از خود یعنی ماه به عنوان مثال.»(میرچیا الیاده)

منازل ماه در آب دریا تاثیر دارد، بدین معنی که جزر و مد (پایین رفتن آب دریا و بالا رفتن آن) بر اثر جاذبه صورت می‌گیرد و بارندگی نیز با ماه مربوط است، چون با تغییرات ماه، غالبا باران می‌بارد. نظر به اینکه ماه در میزان بارندگی و باروری زمین موثر است، پس وفور نباتات به ماه بسته است و بدین علت، بعضی از روستاییان با مشاهده هلال یا ماه نو، تخم می‌پاشند و وقتی ماه رو به کاستی می‌نهد، درختان را هرس می‌کنند و میوه‌ها را می‌چینند.

مار که با ماه پیوندی ناگسستنی دارد، بر پخش و پراکندگی ابرها در آسمان و نزول باران بر دهنده بر زمین، حاکم است. لاورنس در کتاب Plumes le Serpent، نقش اساسی مار را در تمدن‌های کشاورزی که زندگی در آنها وابسته به پدیده‌های جوی است، خاطر نشان می‌کند:

«اگر مار بمیرد، ما هم خواهیم مرد. نمناکی زمین که باعث رویش ذرت می‌شود، بسته به حیات مار است. از فلس‌هایش، سیم و زر استخراج می‌کنیم. درختان از مار ریشه می‌گیرند، هم‌چنان که ریشه مو در پوست تن ماست.»(معینی، ۱۳۸۱، ۱۹۰).

نقش مار در تمدن‌های باستانی بین‌النهرین

آنچه کهن‌ترین شواهد باستانشناختی در مورد پرستش مار به شمار می‌آید، از بین‌النهرین گرفته شده است. در اینجا، تندیس‌های کوچک نذری مادینه با سر مار(که در بعضی موارد کودکی را مانند رنه نوت مصری شیر می‌دهند)، در اور ur متعلق به ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ پیش از میلاد، یافت شده است. یک مار - اژدها، که دارای سر مار و بدنی صاحب چهارپا، با تنی و دمی پوشیده از



جام گودآ از سنگ صابون از تلو، ارتفاع ۲۳ سانتیمتر، پاریس، لوور

است. این تندیس، از شمایل‌نگاری ویشنو اقتباس شده است. مار در اساطیر فراوان مربوط به ویشنو جایگاهی والا دارد(هال، ۱۳۸۰، ۹۷).

ارتباط سمبل مار در تمدن‌های ایران و هند در عهد باستان

سمبل مار چه در ایران و چه در هند از جمله حیوانات خرنده‌ای است که در اساطیر این دو تمدن دارای اهمیت است. در آیین میترا در ایران مار جانور بدکار و متعلق به اهریمن نیست و در ماجرای عروج میترا به آسمان وی بر گردونه‌ای سوار است که(هرمس - مرکور) راهنما و راننده‌ی گردونه است و به علت بال‌هایی که بر سر دارد و چوبی از درخت غازه، که دو مار دور آن حلقه زده‌اند، قابل تشخیص است و نشان می‌دهد که در آیین میترا مار یکی از نشانه‌های اصلی و عامل شفا بخشی مطرح شده است. در حالی که در آیین بودا مار سمبل غصب و یکی از سه گناهان اصلی را شامل می‌شود. ارتباط این دو تمدن از لحاظ سمبل مار، نقش مار در حالت رقص است که در بعضی از مراسم همراه موسیقی، حالتی از نشو و نمو گیاهان را تداعی می‌کند که در این باره مار سمبل حاصلخیزی زمین و فراوانی باران مطرح است، همان‌طور که در ایران باستان نیز همین معنا و مفاهیم را دارد(دادور، ۱۳۸۵، ۲۶۵).

سمبل مار در چین:

مار(به چینی she شه)، ششمین شاخه از دوازده شاخه تقویم زمینی چینی است و هنگامی که به دور سنگ پستی پیچیده است "جنگجوی سپاهی" را تشکیل می‌دهد، که بر ربع شمالی آسمان‌ها حکومت می‌کند(قطب‌نما). به طور کلی نفوذ آن زیان‌آور است. مار وابسته به دسته خزندگان مودبی است که پنج زهر را تولید می‌کنند. زهر و زهره و جگر مار و حتی فلس‌هایش را در پزشکی چینی به کار می‌بردند، براساس این اصل که هر چیز را باخودش می‌توان معالجه کرد. تعویذهایی از مار، که آن‌ها را بر روی قطعات لباس ملبله‌دوزی می‌کردند، برای کودکان به کار می‌رفت تا آن‌ها را از چشم بد محافظت کند.(هال، ۱۳۸۰، ۹۷).

سمبل مار در ژاپن:

مار(به ژاپنی hebi هبی). در ژاپن جایگاه‌های مقدسی وجود دارد که نشان‌دهنده نقطه‌ای است که، در آنجا ماری کشته شده و بعداً برای فرونشاندن خشم او، کارهایی انجام می‌دادند. مار برای بنتن benten الهه ژاپنی، مقدس است و یکی از خدایان شادی به شمار می‌رود و می‌گویند از فرزندان ساراسواتی، الهه هندویی رود است(هال، ۱۳۸۰، ۹۸).

سمبل مار در یونان:



الیه مار سفالین ۱۶۰۰ ق.م
http://www.uned.es/geo-l-his-
toria-antigua-universal/SERPI-
ENTES/GIMBUTAS_1

در میان حیواناتی که سهمی مهم در دین یونانیان داشته‌اند، ماران دارای نقشی برجسته از دوره مینوسی - مسینی(موکنایی) به بعد بودند. یونانیان مانند بسیاری از اقوام دیگر، مارها را تجسم ارواح مردگان به ویژه نیاکان قهرمان قبیله یا خانواده می‌شمردند. پوست‌اندازی ماران، دلیل تولد مجدد و جاودانگی آنها بود(هال، ۱۳۸۰، ۹۸).



کودرویی از سنگ آهک از شوش، ارتفاع ۴ سانتی‌متر، پاریس، لوور منبع: مورتگات. آنتون، هنر بین‌النهرین باستان

فلس و پنجه‌های قدامی شیر و چنگال‌های عقبی بود، نماد مردوک به شمار می‌رفت. مهرهای استوانه‌ای شکل متعلق به اواخر هزاره چهارم، یک جفت مار به هم پیچیده را نشان می‌دهد، که ظاهراً دلالت بر جفتگیری دارد(به شیوه‌ای نقش‌پردازی‌شده و نه طبیعی). این تصویر ظاهراً بدین مفهوم است که این مخلوقات اساساً زمینی و یک منبع الهی باروری زمین بودند. این نقش‌مایه، پیوسته در هنر بین‌النهرین ظاهر می‌شود و در فراسوی آن سرزمین گسترش می‌یابد و ضمن راه، مفاهیم تازه‌ای پیدا می‌کند. (هال، ۱۳۸۰، ۹۵).

مار در هنر مصر:



لوح سنگی (۱۵۰۰ - ۱۲۰۰ قبل از میلاد)
Commons.wikimedia.org/wiki/User:Rama/ tmp

در هنر مصری مار دارای چندین جنبه است: یکی آنکه در آفرینش جهان سهمی دارد. اسطوره‌ای مربوط به آفرینش از هر موبولیس her-mopolis درباره هشت خدا، یعنی اوگدواد ogdoad وجود دارد و تجلی هرج و مرج نخستینی بودند که، پیش از جهان نظام‌یافته وجود داشت. چهار تا از آنان قورباغه‌های نر و چهارتای دیگر، کبراهای ماده بودند که آمون از طریق آنها به صورت مار، جهان ثابت و پایدار را به وجود آورد. در کتاب مردگان سخن از یک مار - خدای نر به میان آمده است که جهان را با در آغوش گرفتن آن، حفظ می‌کند (هال، ۱۳۸۰، ۹۴).

سمبل مار در هند:



ماناسا، الهه مارها
www.Arthistory.upenn.
edu/nalin/29.html

براساس اساطیر هندی، کریشنا با رقصیدن بر سر اژدها مار(کالیکا)، که برای اهالی رودخانه یامونا(Yamuna) دردسرهایی ایجاد کرده بود، او را مطیع کرد(جوادزاده، ۱۳۸۷، ۴۵). از سده هشتم میلادی، به ویژه در کامبوج، بودا بر روی ماری به هم پیچیده و زیر سایبانی از هفت(گاهی نه) سر مار کبری نشسته



در زمینه نقش برجسته، بهترین اثر متعلق به این دوره از تاریخ هنر ایلام نقشی است که بر سنگی در حدود (۲۲۱۰ ق.م) به فرمان کوتیک این شوشینک در شوش حجاری شده است. این نقش برجسته آخرین پادشاه اوان را به حالت زانو زده نشان می‌دهد. وی کلاه شادخدار خدایان را بر سر نهاده و ریش بلند و مرتبی دارد و با هر دو

دست خود شیئی را که بر زمین قرار دارد گرفته است. در پشت سر کوتیک این شوشینک زنی با پیراهن بلند با دست‌های بالا آمده در حالت عبادت ایستاده که بی‌شک ملکه است. یک مار عظیم‌الجثه بر بالای این زوج سلطنتی حلقه زده است. در کنار این صحنه کتیبه‌ای است به خط ایلامی که می‌گوید این نقش به این شوشینک خدا اهدا شده است (مجیدزاده، ۹۷، ۱۳۷۰).

نقش برجسته (۱۹۳۰ - ۱۶۰۰ ق.م)

این نقش برجسته متعلق به دوران سوکل مخ‌ها است. در این جا نیز همانند سنگ یادمان اونتاشگل و نیز آثار باقی‌مانده از این دوره خدا بر روی تخت مار شکل نشسته است. وی لباس بلندی بر تن و کلاه شاهداری بر سر دارد. تخت وی به شکل خدا با سر خدا - خود بر روی سکوی دو طبقه‌ای قرار دارد. خدا دستش را به سمت جلو دراز کرده است و احتمالاً مشابه سنگ یادمان اونتاشگل حلقه قدرت را در دست گرفته است.

نقش برجسته (۲۷۰۰ ق.م)

یک نقش برجسته مذهبی از دوران سومری ایلامی قدیمی که در معبد الهه نین‌خورساگ کشف شده است. دو نیایشگر برهنه را در حال نیایش در انتظار الهه نشان می‌دهد. این دو شخصیت پهلوی هم باید در مقابل الهه قرار گرفته باشند و در بین آنان دو مار به هم پیچیده و یک بز دیده می‌شود. یک حفره دراز با ابعاد بی‌قاعده در وسط این نقوش قرار دارد که شاید

محل قراردادن هدیه‌ای بوده است (پیر، ۱۶، ۱۳۷۲).

دو مار به هم پیچیده نمادی از باروری و تجدید حیات هستند و حضور مارها در صحنه نشانه‌ای از حضور خدا یا الهه در صحنه است.

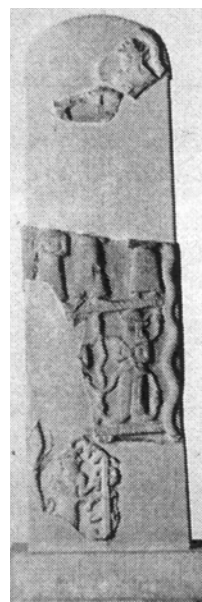


نقش مار در آثار پیش از تاریخ ایران: ایلام:

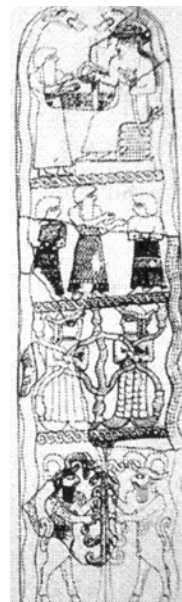
مهم‌ترین نقش مایه را در هنر مذهبی ایلام مار تشکیل می‌دهد. در سنگ یادمان اونتاشگل دو نمونه از این مارها را می‌بینیم. مار از زمان‌های قدیم روی اشیاء و به ویژه روی مهرهای دوره سوم اور ظاهر می‌گردد. همچنین بر سنگ یادمان تاریخی کوتیک این شوشینک، در نقش برجسته صخره کورانگان و در نقش برجسته نقش رستم این موجود خزنده را مشاهده می‌کنیم. این نمونه‌ها چه به صورت طبیعی و چه به صورت نمادین از خدایی بسیار کهن نشان دارند که مار نماد او، اسیر او و جهان زیرین قلمرو او است (مجیدزاده، ۲۱، ۱۳۷۰).

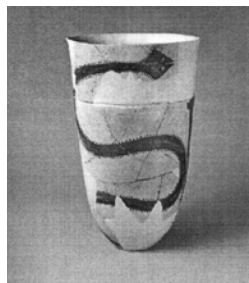
والتر هینتز نقش مار را یک نقش مایه راستین تمدن ایلام می‌داند، او می‌نویسد «حتی سفالینه‌های هزاره‌های سوم و چهارم نیز منقوش به نقش‌های پیچیده مار است. نقش مار روی در کوزه‌ها و سرپوش ظروف به عنوان نشانه حراست و در مقابل ابلیس ظاهر می‌شود. مارهای منقوش به مثابه محافظان دروازه‌ها روی درها می‌پیچند و بالا می‌روند. نیز بر نقش‌های حک شده نقوش شاهان و خزنده، گرد ظروف محراب می‌پیچند. دسته ابزارهایی چون تیره عصا و چوگان سلطنتی را می‌سازند که به صوت ماریچ ایستاده تختگاه سلاطین را تشکیل می‌دهند. از زمان‌های قدیم نقش مایه مار که به دور درخت زندگی پیچیده، در ایلام ظاهر شده و نماد باروری ایلامی که دو مار در حال جفتگیری‌اند، تا مصر رسوخ کرده است. مارهایی با سر انسانی گواهی بر جنبه الوهیت این خزنده به دست می‌دهد (هینتز، ۴۷ - ۴۸، ۱۳۷۰).

یکی از مهم‌ترین این نقوش بر لوح بلندی از سنگ سیاه است و در چهار ردیف موضوعاتی که در مرحله اول بی‌تناسب به نظر می‌آید، پهلوی هم قرار گرفته‌اند. در ردیف بالا شاه دیده می‌شود که فقط بازویش باقی است و نامش روی آن حک شده، شاه در مقابل خدایی که می‌بایستی گال یا این شوشینک باشد، ایستاده است. این رب‌النوع علامت خدایی و فرماندهی یعنی چوب‌دستی و حلقه‌ای در دست دارد. فلس‌ها و نقوش پولک ماندی که روی چوب را پوشانیده است حالت



یک مار را مجسم می‌کند. ولی به واسطه سختی‌اش از مارهایی که دور تا دور لوح را احاطه کرده‌اند و نشانه رب‌النوع می‌باشد، متمایز می‌شود. سپس اونتاشگل به همراه مادر و همسرش قرار دارند که تصویر این زنان نشانه‌ای از زن در جامعه ایلام است (پیر، ۵۸، ۱۳۷۲).



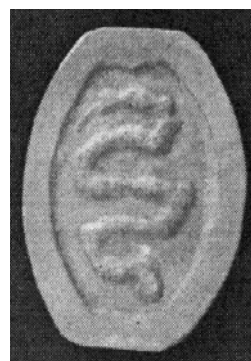


نقش مار در آثار شوش:

در آثار سفالی شوش به دست آمده توسط دمرگان، در ترسیم نقوش انسان و حیوان، مهارت بیشتری به کار رفته، و در نقوش حیوانات، بیشتر جانوران شاخدار، بزهای کوهی، مارها، ماهی‌ها و ردیف مرغان آبی به کار برده شده است. نقوش به صورت

هوشمندانه ساده شده و در هیچ منطقه‌ای از ایران نقش حیوانات با این مهارت ترسیم نشده است. دوسو در بررسی‌های عمیق به دنبال کشف انگیزه‌های نقوش مختلف نوشته است که: «تزیین سفال با خطوط موجدار یا منکسر، معروف به «خطوط آب» (lignes deau)، که از مضمون‌های هزاره چهارم پیش از میلاد است، برای نمایش محتوای ظرف و تمایل انسانی به جانب آب است. هم‌چنان که در ظروفی این تمایل به صورت ماری که در روی آب‌خوری به سمت لبه آن حرکت می‌کند، نشان داده شده است» (رفیعی، ۱۲۸، ۱۳۷۸).

یک مهر جالب توجه که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود و متعلق به هزاره چهارم ق.م است، مهری بیضی است که بر روی آن تصویر ماری به‌صورت برجسته حک شده است. به‌طور مسلم این نقش در میان اقوام ساکن شوش از تقدس خاصی برخوردار بوده است.



مهر بیضی با نقش مار منبع: موزه ایران باستان

در شوش کارهای هنری که تاریخ آنها به دوران آکد می‌رسد به جز مهرهای استوانه‌ای تعداد کمی از اشیاء دیگر را نیز در بر می‌گیرد. یک مهر استوانه‌ای از منبعی ناشناخته که نقش اصلی صحنه زنی را نشان می‌دهد که بر تخت نشسته است. مارهایی از شانه‌های وی خارج شده و سر گاو نری بر بالای سر دارد. احتمال می‌رود که این یک الهه باشد. در برابر او یک پیشخدمت با دو شیء مثلثی در دو سوی خود که شاید ظرف‌های کوچک باشد، زانو زده است (پرادا، ۳۷، ۲۵۳۷).



مهر استوانه‌ای، انسان مار دوش (دوران آکد) منبع: پرادا، ادی، هنر ایران باستان، ص ۳۸

مهر، رام‌کننده حیوانات، هزاره دوم قبل از میلاد منبع: گدار، آندره، هنر ایران، ص ۴۵، ش ۳۴



سنباق مفرغی، انسان مار به دست منبع: موزه ایران باستان



لرستان

یکی دیگر از محوطه‌های باستانی ایران که آثار تمدن و فرهنگ غنی آن زیر توده‌های خاک کشف گردیده است، منطقه لرستان است. نخستین کسی که در این ناحیه کاوش‌هایی به عمل آورد «دمرگان» بود.

سنباق‌های نذری:

سنباق مفرغی (هزاره دوم ق.م)

بر روی این سنباق‌ها تصویر انسانی شاخدار با لباسی بلند دیده می‌شود که در هر دو دست ماری را گرفته است. این سنباق متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد است هم‌اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

سنباق نذری (قرن ۱۰-۷ ق.م)

تصویر انسان مار به‌دست در بسیاری از نواحی لرستان و بر روی تعداد زیادی از اشیای یافت شده به چشم می‌خورد. گویی در اینجا نیز همانند ایلام مار موجودی مقدس و



قابل احترام به شمار می‌آمده است. در یک تکه سنباق نذری از مفرغ متعلق به (قرن ۷-۱۰ ق.م) با نقش انسانی در وسط سنباق روبه‌رو می‌شویم که احتمالاً خدا یا الهه‌ای است که دو موجود عجیب در دو طرف خود دارد. و موجودی مار مانند سنباق نذری (قرن ۷-۱۰ ق.م) با سری شبیه به اژدها حلقه سنباق منبع: موزه ایران باستان را تشکیل می‌دهد.

سنباق مفرغی (۱۰۰۰۰ - ۱۲۰۰ ق.م)

گدار در خصوص نقش این سنباق مفرغی می‌نویسد: «دو نفری که در شکل دیده می‌شوند هر یک شاخه نخلی در دست دارند و شخص طرف چپ با دست دیگر ماری را از دم به دست گرفته است، اما کار نفر سمت راست معلوم نیست. زیرا سنباقی که از معبد سرخ دم به دست آمده در طرف

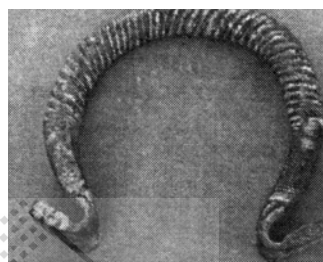
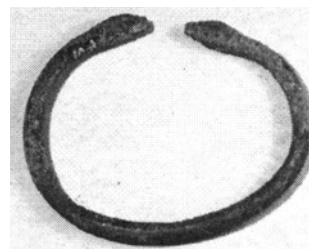


سنباق مفرغی (۱۰۰۰-۱۲۰۰ ق.م) منبع: گدار، آندره، هنر ایران، ص ۴۵، ش ۳۴

مذبور آسیب دیده و به درستی چیزی از این قسمت مفهوم نمی‌شود. اما احتمال می‌رود که او هم وضع طرف سمت چپ را داشته است. هر دوی آنها ملبس به جامعه بلند گشاد و چین‌دار هستند، شبیه جامه شهبانوی ایلام «نپیرآسو» که در موزه لوور دیده می‌شود اما کوتاه‌تر از آن هستند (گدار، ۶۳، ۱۳۷۷).

دستبندهای مفرغی (هزاره دوم قبل از میلاد)

علاوه بر سنجاق‌های نذری، بسیاری از دستبندهای لرستان نیز در دو قسمت خود به سر دو مار ختم می‌شود. این دستبندها که به هزاره دوم قبل از میلاد تعلق دارند احتمالاً همانند سنجاق‌های لرستان کاربردی آیینی داشته‌اند. نمونه‌های زیادی از این دستبندها در موزه ایران باستان موجود است.



دستبندهای مفرغی
موزه ایران باستان

درفش فلزی

یکی از اشیا ارزنده پرچم فلزی نفیسی است که از یک صفحه مربع فلزی به ابعاد ۲۳، ۲۳ سانتی‌متر و میله‌ای به طول ۱/۹۰ متر تشکیل می‌گردد. روی درفش مزبور الهه‌ای را نشسته بر روی صندلی نشان می‌دهد و در مقابل او تصویر سه زن نشسته بر زمین و در پشت

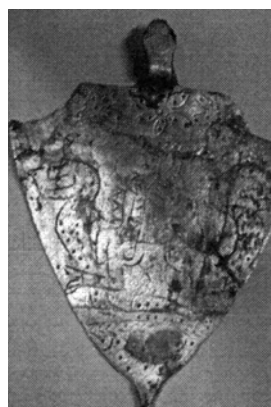


درفش فلزی منبع:
موزه ایران باستان



سر او زن ایستاده‌ای نقش شده است. در قسمت زیر نقوش زنان نشسته، باغ مستطیل شکل با درختان خرما به چشم می‌آید. در زیر نقوش بالا حیواناتی نظیر دو شیر خوابیده و یک گاو با شاخ‌های بلند، در حال حرکت کنده‌کاری شده است. قسمت بالا و پایین نقوش صفحه با دو ردیف نقش پیچ در هم که می‌تواند نمایانگر مارهایی به هم پیچیده یا جریان آب باشد، محدوده می‌شود.

در این صفحه نفره‌ای، خدا یا الهه حامی حیوانات به صورت انسان شاخه‌ای نمایش داده شده که گردن دو مار عظیم‌الجثه را در دستان خود نگه داشته است.



درفش فلزی منبع: موزه ایران باستان

روی یک لوحه بسیار زیبا که از کوه‌دشت به دست آمده و متأسفانه بیش از نیمی از آن باقی نمانده است. درخت نخلی را دو گاو بالدار احاطه کرده‌اند. گردن این گاوها باریک‌تر از گردن یک اسب و سمت عقب تنه بیشتر به تازی می‌ماند. زیر پای گاو دو مار درهم پیچیده دیده می‌شود. این مارها به منزله حاشیه صحنه هستند (گدار، ۶۰، ۱۳۷۷).



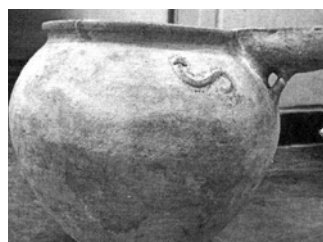
لوحه سفالی (هزاره دوم قبل از میلاد) منبع: گدار آندره، هنر ایران، ص ۶۰، ش ۴۷

نقش‌مار در تمدن کرمان: شهادت

هنر سفالگری یکی از فنون متداول مردم ساکن این ناحیه محسوب می‌گردد. نقوش حیوانات و گیاهان که بر سفال‌ها دیده می‌شود غالباً از صمیمیت و رویای موجود زمان خویش الهام گرفته و هنرمند با رنگ سیاه تصاویر مختلفی را با سبک تخیلی عرضه می‌کنند.

در میان آثار سفالی متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد، در قسمت بالایی بدنه یک خمره بزرگ نخودی، نقش ماری به صورت برجسته قرار گرفته است. کاربرد این خمره بزرگ

به درستی معلوم نیست اما احتمالاً ظرف نگهداری آب یا نوعی مایع مقدس بوده است. هنر دیگر این اقوام را می‌توان در هنر فلز کاری آنها جست‌وجو کرد.



(راهنمای نمایشگاه دشت لوت (خبیص «شهادت»)، اولین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۱). خمره سفالی «اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد» منبع موزه ایران باستان

یک بشقاب مکشوفه که برای اولین بار در این محل کشف گردیده دارای کف صاف و لبه برگشته به خارج و شبیه طشتک کوچکی ساخته شده است. درون آن به وسیله چکش نقش کاملاً برجسته یک



بشقاب مسی منبع: موزه ایران باستان

مار ایجاد گردیده و بدن حیوان نیز با قلم حکاکی شده است. جنس این بشقاب از مس و قدمت آن به اواسط نیمه اول هزاره سوم ق.م. می‌رسد.

جیرفت:

اشیا سنگ صابون از هنرهای خاص تپه یحیی بوده و در تمامی ادوار از آغاز دهکده نوسنگی تا هزاره دوم قبل از میلاد نمونه‌های بسیاری از آن مشاهده می‌شود، ولی هنر سنگ صابون در دوره چهارم میانی ابعاد گسترده‌تری داشت. در آغاز، رنگ آمیزی سفال‌های ابتدایی نیمه پخته نوع لاله‌زار به صورت نوارهای عریض و کم و بیش بدون طرح به خصوصی صورت می‌پذیرفت ولی دیری نپایید که نقش حیوانات نیز بر این سفال‌ها پدیدار گردید. صحنه رویارویی یکی از متداول‌ترین نقش‌مایه‌هاست که ما با آن در تزیین ظروف سنگی روبه‌رو می‌شویم (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۵).

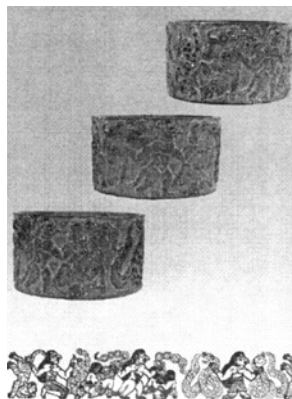
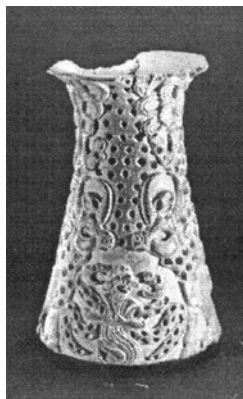
رویاری مار و پلنگ

یکی از نقوشی که در بسیاری از آثار باقی مانده از جیرفت به چشم می‌آید، رویاری مارها با موجوداتی نظیر عقاب و گربه‌سانانی همانند پلنگ است.

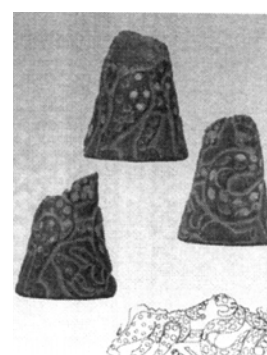
نمایش داده شده است. جیمز هال معتقد است که عقاب و مار در حال نبرد "نماد کشمکش خدایان آسمان و زمین هستند" (هال، ۶۸، ۱۳۸۰).

در این‌جا همانند نبرد مار و پلنگ، به نظر می‌رسد که مارها با نیرویی برتر نمایش داده شده‌اند. این مساله به خوبی از مقدار فضایی که مارها در تصویر اشغال کرده‌اند محسوس است (منبع: مجیدزاده، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، ص ۹۲)

ظروف سنگ صابونی با نقش انسان مار به دست



منبع: مجید زاده، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق



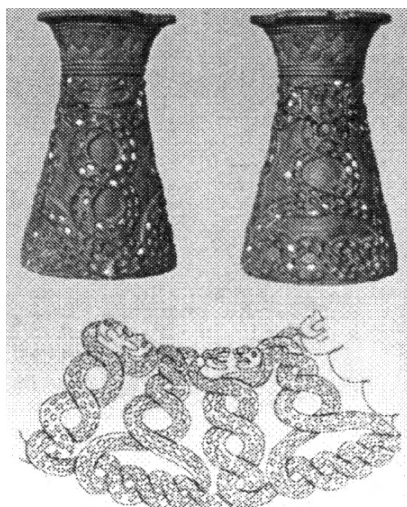
منبع: مجیدزاده، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، ص ۷۶، ۷۸.

رویاری مار و عقاب

تنگ مخروطی، قطر دهانه ۱۱/۱، قطر کف ۱۲/۱، بلندی ۲۶/۲، تنگ عقابی را در قسمت میانی نمایش می‌دهد که دو مار را در چنگال خود گرفته است. تصویر عقاب از روبه‌رو با بال‌هایی گسترده، سری از نیم رخ و چنگال‌هایی فرو رفته در بدن مارها

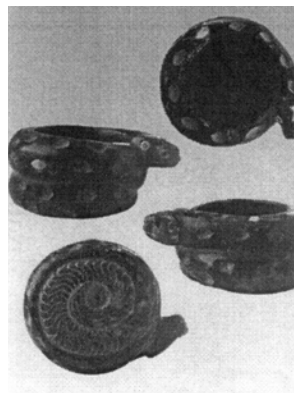


منبع: مجیدزاده، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، ص ۹۲



شیئی تزینی، قطر ۵/۴، بلندی ۵/۴

مورد استفاده این شیء چندان مشخص نیست. این شیء که از چنبره ماری به دور خودش تشکیل شده است احتمالاً یا مصرفی تزینی داشته یا مورد مصرف آیینی داشته است.



مجیدزاده، جیرفت
کهن‌ترین تمدن شرق،
ص ۱۰۹

اشیا کیف مانند

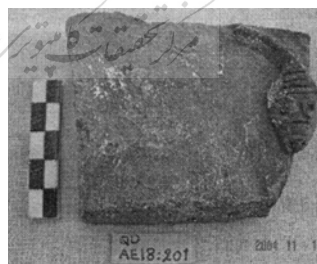
اشیای بازیافتی دیگری که با نقش مار تزین شده آثاری است کیف مانند که با مارهای به هم پیچیده که سرهای آنها به صورت قرینه با دهانی باز هر یک در یک سمت شیء روبه‌روی هم قرار گرفته است، تزین شده است.



Commons.wikimedia.org/.../Gallery

منطقه باستانی قلی درویش قم

در لایه‌نگاری محوطه قلی درویش، در دوره گذار از عصر برنز جدید به عصر آهن، مدارک و داده‌های لایه‌نگاری نشان می‌دهد که در این دوره در برخی گونه‌های سفال به‌ویژه سفال نخودی منقوش، خاکستری - سیاه داغدار و



منبع: نگارنده

سفال گونه آلویی استمرار توام با تحولات تکنیکی و تزینی به وجود می‌آید (سرلک، ۱۳۸۹، ۴۸). در سفال‌های طیف آلویی که عموماً چرخ سازند نقوش تزینی افزوده به سبک هندسی - حیوانی، به‌ویژه نقش مار در زیر لبه و روی شانه ظروف دیده می‌شود (سرلک، ۱۳۸۹، ۵۰).

نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعات که در خصوص آثار یافت شده از تپه‌های باستانی ایران صورت گرفت. نقش مار در تمدن‌های باستانی هند، مصر، یونان، چین و ایران بوده نه یک وسیله بازی مردمان آن زمان بلکه نقش خدایی است که مورد ستایش و احترام بوده است. وجود آثار مشابه با این نقش، نشان از اسطوره‌ای پنهان میان مردمان سرزمین باستانی ایران دارد. اما در دوران تاریخی است که مارها و الهگان، تقدس خود را از دست می‌دهند و ما در این دوران با

نقش منفی مار به عنوان نمادی از اهریمن روبه‌رو می‌شویم. مار حیوان زمینی، هم ذات قمری و آسمانی الهه بزرگ بوده و همانند ماه و زنان دگردیسی می‌یافت. در بسیاری از افسانه‌ها و اعتقادات مردم آن زمان نظیر افسانه آدم و حوا، افسانه ضحاک مار به دوش و نمودار شدن اهریمن می‌بینیم که از این دوران به بعد تنها با نقش منفی این نماد باستانی مواجه می‌شویم. در اثبات همبستگی میان الهه‌ها و مارها می‌توان به این نکته توجه کرد که در دیگر تمدن‌های باستانی که الهگان از تقدس برخوردار بودن به طور معمول مارها نیز از احترام برخوردار بودند.

منابع:

- آمیه. پیر (۱۳۷۲)، تاریخ ایلام، مترجم: شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- پرادا. (۲۵۳۷). هنر ایران باستان، مترجم: مجیدزاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- تاج‌دینی. علی (۱۳۸۳)، فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا، تهران، سروش
- جایز، گرترو (۱۳۷۰)، سمبول‌ها، مترجم: محمدرضا بقاپور، تهران، جهان‌نما
- دادور. ابولقاسم (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران، دانشگاه الزهرا
- دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا (جلد سیزدهم، گیاه - معتم)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- رفیعی. لیلا (۱۳۷۷)، سفال ایران، تهران، یساولی
- گذار. آندره (۱۳۷۷)، هنر ایران، مترجم: بهروز حبیبی، تهران، انتشارات شهید بهشتی
- مورنگات. آنتون (۱۳۸۵)، هنر بین‌النهرین باستان (هنر کلاسیک خاور نزدیک)، مترجمان زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران، سمت
- مجیدزاده. یوسف (۱۳۸۲)، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معین. محمد (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش
- معینی. حمیدرضا، معینی. فریدالدین (۱۳۸۱)، دایره‌المعارف هنرهای سنتی ایران (جلد سوم، بررسی نقوش نمادین یا سمبلیک در آثار هنرهای سنتی ایران)، تهران، نور حکمت
- هال. جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها، مترجم: رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر
- هینتز. والتر (۱۳۷۱)، دنیای گمشده ایلام، مترجم: فیروزنیا، تهران، نشر علمی و فرهنگی
- یاحقی. محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان وارها، تهران، فرهنگ معاصر

Commons. Wikimedia. Org/wiki/User. Rama/tmp
www.arthistory.upenn. Edu/nalin/29. Html.
http://www.uned.es/geo-I-historia-antigua-universa
l/SERPENTES/GIMBUTAS-1
www.daimonas.com/pages/snake-worship.htm
http://www.zoroastriankids.com/snake.html
commons.wikimedia.org/.../Gallery